

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

معلم صادق

مجموعه بیانات آیت الله مهدوی کنی (رحمۃ اللہ علیہ)
در باب آداب تعلیم و تربیت و پیوند حوزه و دانشگاه

به کوشش:

میلاد موحدیان

مهدی پورجعفری صدرآباد



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: معلم صادق: مجموعه بیانات آیت‌الله مهدوی کنی (رحمه الله) در باب آداب تعلیم و تربیت و پیوند حوزه و دانشگاه

به کوشش: میلاد موحدیان و مهدی پورجعفری صدرآباد

به اهتمام: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله مهدوی کنی (رحمه الله)

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام

صفحه آرا: رضا عبداللہی بجندی

طراح جلد: محمد روشنی

نمایه‌ساز و ناظر نسخه‌پردازی و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: چاپ سپیدان

چاپ اول: ۱۴۰۴ / **قیمت:** ۲/۷۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۵۰۰ نسخه / **شابک:** ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۰۸۷-۹

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳ و ۲

تلفن: ۶۶۹۵۴۶۰۳ - **تلفن مرکز پخش:** ۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱

فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • **تلفکس:** ۸۸۳۷۰۱۴۲

فروشگاه اینترنتی: • <https://isupub.ir> • **E-mail:** pub@isu.ac.ir

سرشناسه: مهدوی کنی، محمدرضا، ۱۳۹۳-۱۳۹۰
عنوان و نام پدیدآور: معلم صادق: مجموعه بیانات آیت‌الله مهدوی کنی (رحه) در باب آداب تعلیم و تربیت و پیوند حوزه و دانشگاه / به کوشش: میلاد موحدیان و مهدی پورجعفری صدرآباد.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری: ۲۳۳ص. شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۰۸۷-۹
موضوع: مهدوی کنی، محمدرضا - پیام‌ها و سخنرانی‌ها
موضوع: آموزش و پرورش - جنبه‌های مذهبی - اسلام
موضوع: حوزه و دانشگاه - مقاله‌ها و خطابه‌ها
شناسه افزوده: موحدیان، میلاد، ۱۳۷۳ - گردآورنده
شناسه افزوده: پورجعفری صدرآباد، مهدی، ۱۳۷۱ - ، گردآورنده
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
رده‌بندی کنگره: DSR ۱۵۳۳/۵ رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۱۶۵۰۶۲

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۷
پیشگفتار.....	۹
فصل اول: آداب تعلیم و تربیت	۱۱
مقدمه	۱۳
جامعه شناسی رفتار دانشمندان	۱۵
دعوت قرآن کریم به تفکرو نوآوری	۲۳
ما در اسلام فارغ التحصیل نداریم.....	۳۱
اهمیت علم و علم آموزی	۴۱
علم و عالم متعهد	۵۱
نقش حالات معنوی در تحصیل توفیقات	۵۵
عالم ربّانی در بیان امیرالمؤمنین (علیه السلام)	۶۱
سخنانی با دانش آموختگان یزدی	۶۵
سخنان در جشنواره سامان پژوهش	۷۵
اوقات خود را تنظیم کنید	۸۱
توصیه هایی برای ورودی های جدید دانشگاه	۸۷
حرکت اسلامی ، لازمه رسیدن به دولت کریمه	۹۳
اهمیت نظم و انضباط	۱۰۱
گزیده هایی در باب تربیت	۱۱۵
فصل دوم: پیوند حوزه و دانشگاه	۱۲۱
مقدمه	۱۲۳
سخنرانی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با مقام معظم رهبری	۱۲۵



رسالت استادان و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه السلام).....	۱۲۹
پذیرش دین پیش از استدلال نیاز به الگودارد.....	۱۳۵
معنای اسلامی شدن دانشگاه ها.....	۱۴۱
بررسی راهکارهای تلفیق حوزه و دانشگاه ها.....	۱۵۱
تفاسیر مختلف در مورد اسلامی شدن دانشگاه ها.....	۱۵۵
تقدیر و تشکر از دست اندرکاران مجله پیام صادق.....	۱۶۱
بیانیه رسالت دانشگاه امام صادق (علیه السلام).....	۱۶۵
آخرین جلسه رسمی در دانشگاه امام صادق (علیه السلام).....	۱۶۹
نظراتی در خصوص اهداف دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و علوم انسانی اسلامی ...	۱۷۷
مصاحبه با مجله پیام حوزه.....	۱۸۱
دوراه برای پیوند بین حوزه و دانشگاه.....	۱۸۷
فصل سوم: نامه ها و پیام ها.....	۱۹۱
مقدمه.....	۱۹۳
اندرزنامه معنوی به یکی از طلاب.....	۱۹۵
پاسخ به سؤالات اعتقادی یک دانشجو.....	۱۹۷
پاسخ به نامه یکی از طلاب.....	۲۰۵
پاسخ به نامه یکی از دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه السلام).....	۲۰۷
پاسخ نامه سفیر ایران در چین.....	۲۱۳
پیام به مناسبت تدفین شهدای گمنام در دانشگاه امام صادق (علیه السلام).....	۲۱۷
پیام به اردوی بصیرت.....	۲۱۹
منابع و مآخذ.....	۲۲۱
نمایه.....	۲۲۳

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ.
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل / آیه شریفه ۱۵)



رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را برآن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و براین باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان



عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان های فکری و اجرایی به حساب می آیند و نمی توان آینده درخشانی را بدون توانایی های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» درواقع پاسخ گویی به این نیاز بنیادین است. دانشگاه امام صادق (علیه السلام) درواقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان گذاران و دانش آموختگان این نهاد است که امید می رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه مندان می گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی ها و اصلاح آن هاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه السلام) را در گستره بین المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

والله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

پیشگفتار

دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله مهدوی کنی، در راستای تبیین و ترویج اندیشه‌ها و سیره عملی مرحوم استاد که در قامت مؤسس و رئیس دانشگاه امام صادق علیه السلام، بنیان‌گذار یکی از مهم‌ترین مراکز علمی پس از انقلاب اسلامی بوده است، اقدام به گردآوری مجموعه بیانات ایشان در موضوعات آداب تعلیم و تربیت و همچنین پیوند حوزه و دانشگاه نموده است. کتاب حاضر با عنوان «معلم صادق» مشتمل بر مجموعه بیانات مرحوم آیت الله مهدوی کنی در باب موضوعات یادشده است که پیش از این در قالب مجلدات نشریه پیام صادق دانشگاه امام صادق علیه السلام به صورت پراکنده در شماره‌های گوناگون، به زیور طبع آراسته شده بود ولی در این کتاب با گردآوری، مستندسازی و دسته‌بندی جدیدی، در اختیار پژوهشگران قرار گرفته است.

در این اثر تلاش شده تا دیدگاه آن استاد فقید درباره مسائل مهمی همچون آداب تعلیم و تربیت، ویژگی‌های استاد و دانشجوی تراز، اهداف دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تبیین نوع پیوند حوزه و دانشگاه و مسائل مهمی از این دست، از بیان خود ایشان تبیین شود. در کنار این موضوعات، برخی از نامه‌نگاری‌ها و پیام‌های مرحوم استاد نیز در فصل سوم و پایانی کتاب آمده است.

از جهت روش‌مندی، افزودن این توضیح لازم است که به منظور تسهیل



مراجعه و دسترسی پژوهشگران به محتوای مطالب این کتاب، در ابتدای هر فصل مهم‌ترین مطالب و مضامین مورد اشاره در آن فصل، در قالب کلیدواژه‌هایی آورده شده است تا پژوهشگر بتواند مهم‌ترین موضوعات را فهرست وار دنبال کند. امید است اثر حاضریک گام مهم در راستای تبیین اندیشه‌های آن معلم فرزانه در باب موضوعات مرتبط با مباحث تعلیم و تربیت و حوزه و دانشگاه، به شمار آید.

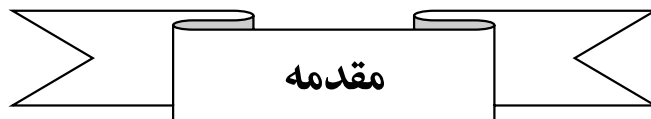
دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله مهدوی کنی بر خود لازم می‌داند ضمن دعوت از پژوهشگران و علاقه‌مندان جهت مطالعه اثر حاضر، از زحمات جناب آقای مهدی پورجعفری که این کتاب با اهتمام ایشان تنظیم و تدوین شده، کمال تشکر و قدردانی را به عمل آورد. همچنین از جناب آقای میلاد موحدیان که در مستندنگاری، تنظیم، ویراستاری محتوایی و همچنین ارزیابی این اثرایفای نقش نمودند، سپاسگزاری می‌شود. لازم است از جدّیت و پایدردی همکاران محترم روابط عمومی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) به ویژه شخص حجت الاسلام و المسلمین آقای سیدمصطفی میرلوحی نیز کمال قدردانی انجام گیرد که به قصد ماندگاری این مطالب در مقطع زمانی مختلف، به چاپ آنها در نشریه وزین پیام صادق مبادرت نموده‌اند و زمینه بهره‌مندی آیندگان از این گنجینه ارزشمند را فراهم ساخته‌اند. امید است که این اثر موجبات خشنودی آن استاد فرزانه را فراهم آورد و مسیر پژوهشگران و علاقه‌مندان ایشان را جهت فهم اندیشه و سیره عملی زندگانی ایشان، هموارتر نماید.

والله ولی التوفیق

دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله مهدوی کنی (رحمه الله)

فصل اول :

آداب تعلیم و تربیت



مرحوم آیت الله مهدوی کنی، اول وظیفه خود را معلمی می دانست؛ بنابراین در هر مقام و مسئولیتی که بود، تلاش می کرد تا به این وظیفه ذاتی خود، جامه عمل بپوشاند. در این راستا حضور در جایگاه ریاست دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، این فرصت را برای ایشان فراهم می آورد تا در جلسات اخلاق هفتگی و غیر آن، به بیان نکات نابی در حوزه مسائل علمی و تربیتی بپردازد. از این رو، ما در فصل نخست این اثر، بیانات و دیدگاه های آیت الله مهدوی کنی، در موضوع آداب تعلیم و تربیت را گردآوری کردیم تا خواننده محترم، از رهگذر مطالعه این بیانات، به ایده های آموزشی و پرورشی آن استاد فرزانه پی ببرد.

عناوین نوشتارهایی که در این فصل قرار گرفته است، بدین شرح است: جامعه شناسی رفتار دانشمندان، دعوت قرآن کریم به تفکر و نوآوری، ما در اسلام فارغ التحصیل نداریم، اهمیت علم و علم آموزی، علم و عالم متعهد، نقش حالات معنوی در تحصیل توفیقات، عالم ربانی در بیان امیرالمؤمنین (علیه السلام)، سخنانی با دانش آموختگان یزدی، سخنان در جشنواره سامان پژوهش، اوقات خود را تنظیم کنید، توصیه هایی برای ورودی های جدید دانشگاه، حرکت اسلامی، لازمه رسیدن به دولت کریمه، اهمیت نظم و انضباط، و گزیده هایی در باب تربیت.

جامعه‌شناسی رفتار دانشمندان^۱

کلیدواژه‌ها:

جامعه‌شناسی رفتار دانشمندان، ثمرات و نتایج عینی رفتار عالمان، جایگاه تواضع، فهم، راست‌گویی، حُسن نیت، حسادت، غرور، بخل، حرص و سایر مفاهیم اخلاقی در علم‌آموزی، توصیه‌های ابتدای سال تحصیلی به دانشجویان مانند برنامه‌ریزی، اقامه نماز اول وقت، تحقیق و پژوهش از منابع دست اول و دوری از افراد ناامید.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه وأشرف بريته، مولينا أبي القاسم محمد و على آله المعصومين، سيما بقيه الله في الارضين.

به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۷۸-۷۹، به دانشجویان خیرمقدم عرض می‌کنم و امیدوارم با نشاط کامل آماده تحصیل علم باشید. به همین مناسبت، حدیث مهمی از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) تقدیم شما دانش‌پژوهان گران‌قدر می‌نمایم که درواقع تبیین جامعه‌شناسانه رفتار عامه

۱. مجله پیام صادق، شماره ۲۵، مهر و آبان ۱۳۷۸، صص ۱۸-۱۶ (این متن، خلاصه درس اخلاق آیت الله مهدوی کنی، در جمع دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه السلام) است که در ابتدای سال تحصیلی ۷۸-۷۹ ایراد شده است).



عالمان بدون توجه به تخصص‌های مختلف آنان است. باید توجه داشته باشیم که روایات ائمه (علیهم‌السلام) صرفاً به یک موضوعات انتزاعی و مجرد محض نمی‌پردازند بلکه این روایات ناظر به واقعیات خارجی نیز هستند؛ به عنوان مثال غرور، یک خصلت شایع بین دانشمندان است. حسادت و تکبر نیز از دیگر صفات شایع بین آنان می‌باشد که مسلماً همچون سدی در راه پیشرفت ایشان است. حضرت امیر (علیه السلام) برای تبیین این رفتار جامعه‌شناسانه از یک تمثیل کلی بهره گرفته‌اند و علم عالمان را به مثابه بدن یک انسان دانسته‌اند و اجزاء و ارکان اساسی آن را برشمرده‌اند. درواقع این حدیث در دو بُعد کالبدشکافی مشکل و حل آن گام‌های اساسی را برداشته است؛ بنابراین این بحث درواقع چراغی فرا راه ماست برای اینکه از عوارض سوء این گونه رفتارهای که درواقع موانعی در راه پیشرفت علم محسوب می‌شوند، بر حذر باشیم.

متن این حدیث عبارت است از:

«مَنْ تَوَاضَعَ لِلْمُتَعَلِّمِينَ وَ ذَلَّ لِلْعُلَمَاءِ سَادَ بَعْلِمِهِ فَالْعِلْمُ يَرْفَعُ الْوَضِيعَ وَ تَرْكُهُ يَضَعُ الرَّفِيعَ وَ رَأْسُ الْعِلْمِ التَّوَضُّعُ وَ بَصَرُهُ الْبَرَاءَةُ مِنَ الْحَسَدِ وَ سَمْعُهُ الْفَهْمُ وَ لِسَانُهُ الصِّدْقُ وَ قَلْبُهُ حُسْنُ النِّيَّةِ وَ عَقْلُهُ مَعْرِفَةُ أَسْبَابِ الْأُمُورِ وَ مِنْ ثَمَرَاتِهِ التَّقْوَى وَ اجْتِنَابُ الْهَوَى وَ اتِّبَاعُ الْهُدَى وَ مُجَانِبَةُ الذُّنُوبِ وَ مَوَدَّةُ الْإِخْوَانِ وَ الْاسْتِمَاعُ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَ الْقَبُولُ مِنْهُمْ وَ مِنْ ثَمَرَاتِهِ تَرْكُ الْإِنْتِقَامِ عِنْدَ الْقُدْرَةِ وَ اسْتِقْبَاحُ مُقَارَفَةِ الْبَاطِلِ وَ اسْتِحْسَانُ مُتَابَعَةِ الْحَقِّ وَ قَوْلُ الصِّدْقِ وَ التَّجَافِي عَنْ سُرُورٍ فِي غَفْلَةٍ وَ عَنْ فِعْلٍ مَا يَعْقِبُ نَدَامَةً وَ الْعِلْمُ يَزِيدُ الْعَاقِلَ عَقْلاً وَ يورِثُ مُتَعَلِّمُهُ صِفَاتِ حَمْدٍ فَيَجْعَلُ الْحَلِيمَ أَمِيرًا وَ ذَا الْمَشُورَةِ وَ زِيْرًا وَ يَقْمَعَ الْحِرْصَ وَ يَخْلُغُ الْمَكْرَ وَ يَمِيتُ الْبُخْلَ وَ يَجْعَلُ مُطْلَقَ الْوَحْشِ مَأْسُورًا وَ بَعِيدَ السَّدَادِ قَرِيبًا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ۶).

و اما توضیح حدیث که در دو بخش اصلی خدمتتان تقدیم می‌گردد:

الف) تبیین جامعه‌شناسانه رفتار عالمان و بررسی علل فراز و فرود آنان براساس تحلیل ماهیت علم

من تواضع للمتعلمین و ذل للعلماء ساد بعلمه؛ فالتواضع یرفع الوضیع و ترکہ یضع الرفیع و رأس العلم التواضع.

اولین نکته‌ای که حضرت در رابطه با رفتار عالمان مطرح می‌کنند، تکبر و خود بزرگ بینی است که برخی از عالمان دچار آن می‌گردند و متأسفانه این مطلب مربوط به همه اصناف عالمان است. تکبر و تواضع در تقابل یکدیگر بوده و در جهت عکس یکدیگر عمل می‌کنند. تکبر، ابزار سقوط عالم؛ چه در جهت موقعیت اجتماعی و معنوی و چه در جهت سطح علمی و تواضع، ابزار صعود انسان به قله‌های رفیع اجتماعی و معنوی و علمی است؛ بنابراین حضرت می‌فرمایند برای رسیدن به این قلل، باید نسبت به متعلمان و شاگردان متواضع و نسبت به اساتید خوار و حقیر بود؛ به حدی که حتی اگر ممکن است انسان خود را نسبت به اساتید، حقیر فرض نماید که این موجب برکت در عمر انسان گشته و بازده عمر انسان افزایش می‌دهد.

نتیجه این تواضع، سیادت و آقایی و فتح قلل کمالات است؛ همچنان که اگر انسان تکبر ورزد، هر چند در بالاترین سطح ایستاده باشد، سقوط خواهد نمود. ظاهراً این قانون در بروز و سقوط تمدن‌ها نیز حاکم است. براین اساس همچنان که «سر» در فوقانی‌ترین قسمت بدن انسان قرار گرفته، تواضع در بدنه علم، در رأس و قله آن استقرار یافته که کنایه از تسخیر قله‌های علم از طریق تواضع است.

و بصره البرائه من الحسد؛ همچنان که چشم در انسان ابزار دیدن است و بینایی این چشم در اثر آسیب‌هایی از دست می‌رود، حسادت نیز عالم را نابینا نموده و در نتیجه او امکان واقع بینی را از دست می‌دهد. هدف را گم



می کند و در تاریکی راه، مقصد خویش را نمی یابد.

و سمعه الفهم؛ گوش علم، فهم است. یعنی اگر «گوش» ابزاری برای شناخت انسان می باشد، فهم نیز ابزار به کارگیری علم است. پس اگر فهم به همراه علم نباشد، به کار نمی آید و انسان صرفاً یحمل اسفاراً (حامل کتب) خواهد گردید. پس ورودی علم، فهم و شعور است.

و لسانه الصدق؛ زبان علم راست گویی است. راست گویی جاذب و جالب علم است. دروغ اطمینان را زایل نموده و بستر دریافت علم را غیر مطمئن می سازد. همان گونه که زبان در بدن انسان ابزار انتقال مقاصد انسان به دیگران است، راست گویی عالم نیز از طریق انتقال علم اوست. عالم دروغگو زبان انتقال علم خویش را از دست می دهد؛ زیرا اعتماد از وی سلب می گردد. حلیه هم نباید در کار باشد؛ زیرا به هر حال سالب اعتماد است.

و قلبه حسن النیه؛ قلب در بدن انسان محلی است که موجب رسیدن غذایی پالایش شده به همه اجزاء می گردد. براساس این تمثیل، حُسن نیت نیز قلب علم بوده و احتمال دارد مقصود از تشبیه این باشد که چنان که قلب خون را به تمام بدن به تناسب نیاز توزیع می کند، حُسن نیت در عالم سبب می شود که او علم خود را به نفع مردم عادلانه و به تناسب نیاز به کار گیرد تا همه از ثمرات آن بهره مند شوند؛ ولی اگر عالم حُسن نیت نداشته باشد و با خودخواهی و سودجویی قرین باشد، قهراً در توزیع و تعلیم آن بخل می ورزد و جامعه را از آثار و ثمرات سازنده آن محروم خواهد کرد.

و عقله معرفه اسباب الأمور؛ ما در مباحث علمی همواره درصدد کشف روابط علّی و سببی بین امور هستیم و قوانین علمی درواقع درصدد تبیین چنین روابطی هستند. پس عقل علم و به عبارت دیگر نقطه ثقل علوم کشف همین روابط است تا انسان را در نیل به اهدافش رهنمون سازد.

ب) بررسی ثمرات و نتایج عینی رفتار عالمان در وضعیت مطلوب

و من ثمراته التقوی واجتناب الهوی و اتباع الهدی و مجانبه الذنوب؛ از نتایج عینی چنین علمی؛ یعنی علم با آن خصوصیتی که در بخش اول بیان گردید، این است که عالم یک فرد متقی و متعهد باشد. او فرزند امیال و خواهش‌های نفسانی نیست تا راه خیانت به بشریت و جامعه بشری را در پیش گیرد. مجانبیت از ماده «جنب» به معنای «کنار» است، یعنی چنین عالمی هرگز با خیانت و عصیان و گناه همراهی ندارد؛ او یک طرف و گناه نیز طرف دیگر است.

و موده الإخوان؛ مودّت به معنای اظهار محبت است. محبت در قلب کافی نیست بلکه باید محبت به افراد، بروز و ظهور در رفتار نیز داشته باشد. این بروز تنها در لفظ نیست، چشمان ما، رفتار و گفتار و کردار ما نیز باید گواه صادقی بر این محبت قلبی باشد. ثمره آن چنان علمی، این چنین نتیجه‌ای است.

والاستماع من العلماء؛ لازمه چنین علمی این است که انسان طالب علم دیگر عالمان نیز خواهد بود و خود را از آنان بی‌نیاز نخواهد دید. او می‌داند که همه چیز را همگان دانند و همگان را هنوز نیافریده‌اند.

والقبول منهم؛ عالم در چنین شرایط ایدئالی توانایی پذیرش سخن صحیح را نیز خواهد یافت.

و من ثمراته ترک الإنتقام عند القدرة: حضرت می‌فرمایند کسی که در قتل رفیع موقعیت اجتماعی و معنوی و علمی ایستاده باشد، هرگز از خصم خود (که غالباً خصم علمی اوست) انتقام نمی‌گیرد؛ او آزادمرد و آزاداندیش است و انتقام با آزادی سازگار نیست؛ البته توجه دارید که قید عند القدرة، قید توضیحی است نه قید احترازی؛ زیرا در صورت فقدان قدرت، انتقام ممکن نیست و به اصطلاح، سالبه به انتفاء موضوع است.

واستقباح مقارنه الباطل واستحسان متابعه الحق و قول الصدق؛ از دیگر

نتایج عینی چنین علمی، برخورداری از نظام ارزشی صحیح می باشد؛ به طوری که آمیختن با باطل و انجام کارهای زشت را ناپسند می داند و پیروی از حق و راست گویی و صداقت را نیکو می شمارد.

والتجافی عن سرور فی غفله فعل مایعقب ندامه: چنین عالمی از غرق شدن در شادی غافلانه به دور است. مست شادی در حال غفلت و بی خبری نخواهد شد و از اعمالی که نتیجه ای جز ندامت و پشیمانی ندارد، دوری می جوید. توجه به امرپیشگیری، هم کم هزینه تر و هم مؤثرتر است.

والعلم یزید العاقل عقلا و یورث متعلمه المکر؛ چنین دانشی بر قوه ادراک و تعقل عالم می افزاید و او را در حل مسائل و مشکلات، صاحب اندیشه صائب می نماید؛ به طوری که مشکلات خویش را بر اساس نقشه های مدبرانه و برنامه ریزی دقیق حل می نماید. چنین مکرری، از صفات مثبت است چنان که قرآن چنین مکرری را به پروردگار نسبت می دهد: «و مکروا و مکر الله و الله خیر الماکرین».

البته در نسخه دیگری از بحار چنین آمده است: «و یورث متعلمه صفات حمد، فیجعل الحلیم أمیرا و ذا المشوره وزیرا و یجمع الحرص و یخلع المکرو یمیت البخل»؛ که بر این اساس چنین علمی مزیل حرص و بخل و مکر به عنوان صفات منفی خواهد بود.

و یجعل مطلق وحشه مأسورا و بعید السداد قریبا؛ از دیگر ثمرات چنین دانشی، احاطه عالم بر اموری است که تحت فرمان انسان نیستند؛ به طوری که چنین عالمی برنامه های ناممکن ها توانمند می گردد.

امیدوارم که ما بتوانیم با سرمشق قرار دادن این گفتار گران قدر و تأثیرپذیری از فقرات متعدد آن، راهی نو در زندگی خویش تأسیس نماییم.



در پایان مطلب، مناسب می بینم تذکراتی را در آغاز سال تحصیلی گوشزد نمایم.

توصیه های در باب تحصیل دانشجویان

نکته اول: اینکه گوش خود را به کسانی که در زندگی جز سرودن آیه های یأس و ناامید ساختن افراد، هنردیگری ندارند، نسپارید و تحت تأثیر تلقینات چنین افرادی قرار نگیرید. با نهایت جدیت درس بخوانید و با پشتکار و تکیه بر رحمت و اسعه الهی، آینده ساز زندگی خود و جامعه فردایتان باشید.

نکته دوم: از اوقات و امکاناتتان حداکثر بهره برداری را کنید و این امر مهم ممکن نیست مگر با داشتن یک برنامه منظم و دقیق.

نکته سوم: از نماز اول وقت غفلت نورزید و حتی الامکان نمازهایتان را با جماعت بخوانید. نماز را بر هر کاری مقدم بدانید که این از دستورات و تأکیدات اولیای الهی است.

نکته چهارم: در کنار فراگیری دروس، ملتزم به تحقیق باشید. بدون تحقیق و مراجعه به منابع هر علمی، هرگز از خود راضی نشوید. پایه های علمی خود را با تحقیق پی ریزی نمایید و از اساتید خود منابع تحقیق هر درس را بخواهید. به امید توفیق روزافزون همه شما عزیزان.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.



دعوت قرآن کریم به تفکرو نوآوری^۱

کلیدواژه‌ها:

قیام الله؛ تنها موعظه الهی، توجه به فراگیری علوم غیردینی، قرآن به مثابه کتاب هدایت، لزوم فراگیری زبان، اتهام عقل‌ستیزی به آیت الله مهدوی کنی.

بسم الله الرحمن الرحيم

و الصلوه والسلام على سيدنا ومولانا أبي القاسم محمد و على آله المعصومين

لا سيما على بقيه الله حجه ابن الحسن المهدى (عليه السلام).

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم؛ «قل إنما أعظكم بواحدة أن تقوموا لله مثنى و فرادی

ثم تتفكروا ما بصاحبكم من جنة» (سوره سبأ / آیه ۴۶)

آغاز سال تحصیلی را به شما برادران دانشجو تبریک عرض می‌کنم. ان شاء الله سال پر خیر و برکتی از نظر تحصیل علم و تقوی و پراز کوشش، نشاط و فعالیت علمی و تحقیقی باشد. آنچه مهم است این است که عمر انسان در مسیر خدمت به خدا و بندگان خدا قرار بگیرد.

۱. مجله پیام صادق، شماره ۱۳-۱۲، مرداد-آبان ۱۳۷۶، صص ۶-۴ (این متن، گزیده محاضرات درس اخلاق آیت الله مهدوی کنی در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) است که عیناً تقدیم می‌شود).

قیام از خواب غفلت

آیه شریفه‌ای که تلاوت کردم چندین دستور به ما می‌دهد که از این دستورات باید عبرت بگیریم و سرلوحه زندگی و تحصیلمان قرار گیرد. این آیه، آیه ۴۶ سوره سبأ است. تنها موعظه‌ای که پیامبر اکرم (ﷺ) مأموریت دارند آن را بیان کنند، همین است. چون با کلمه «إِنَّمَا» شروع شده است؛ یعنی بگوبه مردم که من شما را تنها یک موعظه و پند می‌دهم، موعظه واحد این است که همه قیام کنید برای خدا. مقصود از «قیام»، قیام از خواب غفلت است. در مسیر طبیعت انسان، خواب و غفلت است؛ چون مشغول به زندگانی مادی و دنیوی و حیوانی است و اگر بخواهد به مرحله انسانیت برسد، باید از این خواب بیدار شود و به عبارت دیگر قیام کند؛ بنابراین معنایش این نیست که انسان جایی نشسته یا خوابیده باشد و بعد برخیزد و بلند شود بلکه «آن تقوموا لله» یعنی حتی کسانی که فلج هستند و ممکن است به حسب ظاهر قیام فیزیکی نداشته باشند، مأمور به این قیام هستند که از آن تعبیر به قیام از خواب غفلت و «انتباه» و به تعبیر عرفا «یقظه»، یعنی همان اولین مرحله سیر و سلوک انسان می‌شود.

دنباله آیه، نکته دوم را اضافه می‌کند که «مثنی و فرادی»؛ این قیام دوتا دوتا یا به صورت تنها باشد. گرچه در زبان عربی عطف به «واو» دلیل بر تغییر نیست ولی معمولاً آنچه را که اول ذکر می‌کنند، ظاهراً بدان بیشتر توجه دارند. معمولاً وقتی شما به کسی بیشتر اهمیت می‌دهید، اول نام او را ذکر می‌کنید؛ بنابراین از لفظ مثنی که اول گفته شده این طور استفاده می‌شود که خدای متعال اول قیام جمعی را دوست دارد و اگر قیام جمعی نشد، قیام فردی؛ چون انسان موجودی اجتماعی است و اگر بخواهد حرکتی بکند، باید در آن جمع حرکتش را انجام دهد و به تنهایی به نتیجه نمی‌رسد. «مثنی» به معنای دو نفر بودن نیست بلکه به معنای جمعی بودن است.



چند نکته‌ای که از آیه به دست می‌آید عبارت‌اند از: «قیام» و «جمعی بودن قیام» و در آخر اگر جمعی ممکن نشد در «حالت انفرادی»، باید وظیفه‌مان را انجام دهیم؛ بنابراین اگر شما برای تحصیل به آمریکا رفتید نمی‌توانید بگویید که چون در کشور غربی هستم و غیراسلامی است؛ بنابراین تکلیفی بر من نیست، حواستان جمع باشد؛ اگر تنها هم باشید باید وظیفه‌تان را انجام دهید؛ مثلاً اگر اول نهضت باشد و از یک نفر هم شروع شود باز تکلیف است.

اهل فکر و تفکر بودن

حالا بعد از بیدار شدن فردی و جمعی، تعبیر قرآن این است که «ثم تتفکروا» پس از این قیام، فکر کنید. معنای فکراین است که انسان از یک سری مبادی معلومه، به یک سری مسائل مجهوله می‌رسد که همان استفاده از تجربه‌ها و معلومات سابق است. سازنده انسان «فکر» است و تمایز انسان با سایر حیوانات ظاهراً همین فکر است که از آن تعبیر به عقل و قوه ناطقه هم می‌شود.

بنابراین از این آیه هم می‌شود استنباط کرد که قرآن کریم ما را دعوت می‌کند که همیشه اهل فکر و نظر و تفکر و ابتکار و نوآوری باشیم؛ نوآوری از مقدمات معلومه مسلم‌ای است که به ما داده شده است. آخر آیه هم می‌فرماید: «ما بصاحبکم من جنّه»؛ اولین مسئله‌ای که روی آن فکر می‌کنید این است که صاحب شما یعنی پیامبر اکرم (ﷺ) همراه شماست. این بهترین تعبیر دوستانه و مشفقانه است که پیامبر اکرم (ﷺ) به عنوان صاحب، ذکر شده است. اینجا صاحب، به معنای مالک نیست و در لغت عرب هم مصاحبه به معنای همراه است نه مالک؛ هر چند در زبان فارسی ممکن است از مالک به صاحب تعبیر کنند که به اعتبار مصاحبت است و مجاز در معنای مالکیت استفاده شده است و الا اصل کلمه «صاحب» به معنای همراه و کسی که همراه انسان است، ترجمه می‌شود. یکی از اسامی و القاب پیامبر «صاحب» است؛ یعنی کسی که همیشه همراه شما هست و از

شما جدا نمی شود و کلامی است که در آن لطف و محبت زیادی است.

«ما بصاحبکم من جنه»، یعنی صاحب و همراه شما که برای هدایت شما به دنبالان است، دیوانه نیست. از این مقدمات این نتیجه گرفته می شود که ایشان نعوذ بالله دیوانه نبوده است و حالا که این چنین نیست، باید به دنبالش برویم که چه می گوید. ما هم راه او را بگیریم که «لقد کان لکم فی رسول الله أسوه حسنه» (سوره احزاب / آیه ۲۱)؛ آن وقت ما هم باید آن فداکاری ها و معارف را بگیریم و با سختی ها و مشکلات بسازیم و به پیش برویم.

توجه به فراگیری علوم غیر دینی در سیره پیامبر اکرم (ﷺ)

همین رسول و همین صاحب در بیاناتشان این مطلب را فرموده اند که «العلم علما؛ علم الأديان و علم الأبدان» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۷). اگر این حدیث هم نبود روش و سنت اسلامی این مفهوم را تأیید می کرد که یک سری علوم الهی داریم که از وحی گرفته می شود و یک سری از علوم در رابطه با جسم و بدن انسان است که خود مردم می توانند دنبالش بروند و تجربه کنند و پیش بروند. هر دو علم وظیفه است برای اینکه مردم یاد بگیرند. مکرر گفته ام که در کتب فقهی شیعه و سنی این فتوا را داریم که تعلّم و تعلیم همه علوم مفیده و مورد نیاز بشر واجب کفایی است و این چیزی نیست که در این دوره اخیر گفته شده باشد. یا اینکه گفته شود آخوندها تسلیم شدند که باید فیزیک و اقتصاد و ریاضی یاد گرفت! خیر؛ این چیز جدیدی نیست، مسئله ایست که از صدر اسلام تا به حال مورد توجه مسلمانان واقع شده است. حتی خود پیامبر اکرم (ﷺ) بعضی از شاگردان و مؤمنان را به جاهایی می فرستادند تا علوم دیگری را یاد بگیرند؛ اعم از مسائل مربوط به سلاح و جنگ و یا مسائل زندگی مردم و حتی مسائل مربوط به زبان که پیامبر اکرم (ﷺ) به عده ای فرمودند بروید و زبان عبری یاد بگیرید؛ علتش هم این بود که در آن زمان با یهودی ها در ارتباط بودند و یهودیان هم با زبان خاص خودشان گاهی توطئه می کردند و



گاهی کتابشان «تورات» را می‌آوردند و مسلمانان را گمراه می‌کردند و یا می‌گفتند این خبرهایی که در تورات است دروغ است و مثلاً اسم محمد (ﷺ) نیامده است؛ بنابراین پیغمبر برای آگاهی مسلمانان به عده‌ای فرمود که زبان عبری را یاد بگیرند. الآن هم بر مسلمین لازم است که زبان عبری را فراگیرند، چون تورات به این زبان است و یهودی‌ها هم در سیاست و فرهنگ دنیا نقش مهمی را دارند و ما باید این زبان را بدانیم. دستور است که ما این علوم را فراگیریم. علمای هزار سال قبل، غالباً جامع‌العلوم بوده‌اند. علومی که در زمان خودشان بوده است، اعم از هندسه و ریاضیات و شیمی و فقه و اصول و تفسیر، نظیر خواجه نصیر و شیخ طوسی و شیخ مفید و سید مرتضی و دیگران؛ البته علوم در آن زمان این قدر توسعه نداشته ولی معلوم بوده است که علمای دینی به تبعیت از دستورها و سنت‌های مذهبی به دنبال این علوم بوده‌اند و الا همه علوم را فرامی‌گرفتند.

قرآن، کتاب علم هدایت بشریت

ممکن است بعضی‌ها بگویند همه چیز در قرآن هست و عبارت «لا رطب ولا یابس إلا فی کتاب مبین» (سوره انعام / آیه ۵۹) به معنی آن است که همه چیز در قرآن است؛ حتی چگونگی ساختن درب خانه! بنابراین باید فقط تفسیر قرآن خوانده می‌شد و مدرسه‌ای درست نمی‌شد! هیچ عالم اسلامی چنین ادعایی نکرده است؛ البته در این بحث ما به باطن قرآن کاری نداریم و ما را به آن بارگاه راهی نیست و آن علم خداست و اگر متصل به علم ذات الهی شویم همه چیز در آن هست و ربطی به قرآن نازل با این الفاظ ندارد. این محدود است به علوم هدایت که می‌فرماید: «ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین» (سوره بقره / آیه ۲). مرحوم علامه طباطبایی در ذیل این آیه شریفه می‌فرماید: چیزی که از ظاهرا این آیه می‌فهمیم این است که علومی که مربوط به هدایت بشر است، در این کتاب است. به تعبیر امروزی‌ها ارزش‌ها و اصول

ارزشی و هدایتی، در قرآن است و روش های زندگی و ابزار و آلات به تناسب اوضاع فرق می کند؛ هرچند ممکن است در قرآن هم اشاره شود. مثل اینکه گاهی در حدیث و روایت، اشاراتی به این مسائل شده است. در حدیثی است که اگر فلان دارو یا میوه را بخوریم، خوب می شویم. خیلی از مسائل طبی در کلمات پیامبر اکرم (ﷺ) بوده یا در قرآن موجود است نظیر «کلوا و اشربوا و لاتسرفوا» (سوره اعراف / آیه ۳۱) که یک دستور اقتصادی و طبی است.

بنابراین نبوده که در قرآن، طب درس بدهند که مثلاً جراحی چگونه انجام می شود. وظیفه رسالت انبیا و قرآن و بعد علمای دینی این نبوده است بلکه وظیفه مؤمنان و مسلمانان این بوده که این چیزها را یاد بگیرند. براساس همان حدیث «العلم علمان؛ علم الأديان و علم الأبدان»؛ به عنوان علم دینی، این علوم جزو دین نیست. متأسفانه در این بین، مسلمانان تصوّر و تفسیر کردند و آنچه را که داشتند از دست دادند. در یک دوره سیصد ساله، مسلمانان عقب افتادند و یا عقب انداخته شدند؛ به طوری که عده ای برای فراگیری بعضی علوم، مورد هجوم قرار گرفتند و برچسب تجدد و غیره را به افراد زدند؛ درحالی که این علمی بود که دست خود مسلمانان بوده است. روزگاری کتاب قانون بوعلی، جزو کتاب های طبی مسلمانان بود و بعد غیر مسلمانان، این کتاب را ترجمه کردند و چیزهایی هم بر آن افزودند. وقتی دوباره این کتاب بین مسلمانان برگشت داده شد، عده ای از آن اعراض کردند و قائل بوده اند که فراگیری این چیزها، تجدد مآبی است. خلاصه بحث این است که تمام علوم مفید، علمی است که اسلام به آن ها دعوت کرده است.

مقدمه بعدی در رابطه با این مسائل آن است که باید توجه داشته باشیم، چیزهایی که ما یاد می گیریم، همگی وسیله و ابزاری است برای ما؛ حتی علوم دینی فقه و اصول و غیره همه جنبه ابزاری دارد. منتهی بعضی ابزار، نزدیک تر به هدف هستند. آنچه که ما را به هدف نزدیک می کند این است که



«أن تقوموا لله» باشد. اگر «لله» شد، علم طب و علم فقه هر دو الهی می شوند، ولی اگر «لله» نشد، هیچ کدام الهی نمی شوند. مهم این است که هدف را چه قرار بدهیم. آیا به ارزش های اصلی که پیامبر اکرم (ﷺ) به خاطر آن ها مبعوث شده، توجه داریم یا خیر؟ شما ممکن است در ظاهر دانشجوی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) باشید ولی واقعاً دانشجو نباشید و به العکس، ممکن است کسی در جای دیگری درس بخواند که در حقیقت او، دانشجوی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) باشد. معیار، واقعیت است که آیا علومی که یاد می گیری «لله» است یا خیر؟ آیا فکر و تفکر شما بدان سوهست که چرا پیامبر اکرم (ﷺ) آمده است. «ما بصاحبکم من جنّه» به قول قرآن دیوانه نبوده بلکه برای هدایت شما آمده است.

چگونه ارزش یافتن علوم

بنابراین ارزش علوم به دو چیز است: یکی به معلومات آن علم و دیگری، هدف از تحصیل آن علم. هر دوی این ها، معیار است. معلوم علم الهی در فلسفه و کلام، «امه» و صفات اوست. به اعتبار اینکه معلوم، معلوم بالایی است، این علم، ارزشمند می شود؛ زیرا معلوم شما بالاترین چیز است. اما اگر تحصیل علم الهی را به قصد تفاخر و تکاثر فراگیرید، به معنای واقعی علم نیست. ان شاء الله که همه ما از فراگیری علوم قصد الهی داشته باشیم.

متهم نمودن آیت الله مهدوی کنی به عقل ستیزی

بنده با توجه به اینکه خودم را خالی از اشتباه نمی دانم و همگان این گونه هستند - غیر از معصومین (علیهم السلام) - ولی گاهی اوقات انسان عمداً اشتباه می کند و گاهی غیر عمد و به قول طلبه ها گاهی انسان عمداً، سهو می کند. گاهی هم انسان نمی تواند باور کند که این سهو، عمدی نباشد؛ البته نسبت می دهیم که بعضی ها عمدی، سهو کرده اند ولی گاهی انسان ظاهر کار را

می بیند که این گونه نیست. شما را به خدا، در تمام این دوران چندین ساله در این دانشگاه و در انقلاب و قبل از آن، یک روحانی، یک دانشمند، یک فیلسوف، یک فقیه عالم در جاهای مختلف، اعم از قم و مشهد در حوزه و دانشگاه‌ها، چه روحانی چه غیرروحانی، گفته است که به عقل، خرد و تجربه بشر هیچ ارزشی قائل نیستیم و هرچه داریم از خود قرآن می گیریم و باید کتاب‌ها و دانشگاه‌ها بسته شوند؟! آیا چنین کسی در بین آخوندها، داشته‌ایم که بعد یک دوستی بگوید در این انتخابات جناح‌ها دو دسته بودند، یک دسته عقل‌گرا و خردگرا، یک دسته افراد عقل‌ستیز و خردستیز؟ طبقه خردگرا کسانی هستند که می‌گویند باید از خرد و علم جامعه استفاده کرد و دسته دیگر با علم و تجربه و این چیزها مخالف هستند و می‌گویند همه چیز را باید از وحی و قرآن و حدیث گرفت و همه چیز را وحیانی می‌دانند.



ما در اسلام فارغ التحصیل نداریم^۱

کلیدواژه‌ها:

لزوم انتخاب راه أحسن، اهداف دانشگاه امام صادق (ع)، تبلیغ اسلام، تفقه در دین، ویژگی‌های شاگردان مکتب امام صادق (ع)، تبیین معنای مصابره و مرابطه، پابندی بر عهد با دانشگاه، لزوم رجوع به قوم پس از دوران تحصیل، ویژگی استادان دانشگاه امام صادق (ع).

بسم الله الرحمن الرحيم.

والصلاة والسلام على خير خلقه وأشرف بريته مولانا أبي القاسم محمد و على أهل بيته الطاهرين المعصومين سيما بقيه الله في الأرضين.
أعوذ بالله من الشيطان الرجيم «يا أيها الذين آمنوا إصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا
الله لعلكم تفلحون» (سوره آل عمران / آیه ۲۰۰)

انتخاب راه أحسن

بر مبنای جهان بینی توحیدی اسلام و آنچه که انبیای خدا و فلاسفه الهی بیان کرده‌اند، غایت و نهایت زندگی لقاء الله است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ» (سوره نجم / آیه ۴۲) منتها و پایان زندگی، خود خدا است.

۱. مجله پیام صادق، شماره‌های ۱۸-۱۹، مرداد-آبان ۱۳۷۷، صص ۷-۹ (این سخنرانی، در همایش یک‌روزه انجمن دانش‌آموختگان ایراد شده است).



عاقل آن کسی است که راه بهتر و نزدیک تر را انتخاب می کند، انسان در مسائل مادی نباید آرمان گرا باشد. در مسائل مادی قناعت لازم است و انسان باید همیشه به طبقات پایین تر از خود فکر کند تا بتواند در زندگی مادی راحت باشد. چون اگر انسان همیشه در زندگی مادی بخواهد بالاتر نگاه کند، هیچ گاه سیر نمی شود. هر چه قدر هم بالا برود، باز می خواهد بالاتر برود و حرصش بیشتر می شود. «یشیب ابن آدم ویثیب فیه خصلتان» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۵: ۸۹۰). انسان، پیر که می شود دو خصلت در او زنده می شود؛ یکی حرص و دیگری طول الأمل یا آرزوهای طولانی.

در مسائل مادی همیشه پایین را نگاه کنید ولی در مسائل معنوی همیشه اوج بگیرید و بالاترین نقطه را ببینید. اگر انسان مراحل بالا را ببیند، شاید یک مرحله را طی نکند. اگر پله صدم را در نظر بگیرد، شاید پنجاه پله را بالا برود ولی اگر از اول دو تا پله را در نظر بگیرد، ممکن است این دو تا را هم نتواند بالا برود؛ بنابراین می بینید که قرآن در مسائل معنوی، تربیت های اخلاقی و معنوی خیلی آرمان گراست تا برسیم به فرشتگان و عالم غیب ولی در مسائل مادی این طور نیست. آن هایی که به مقامات بالا رسیده اند، کسانی بوده اند که همیشه آن نقطه اوج را نگاه کرده اند.

شما می بینید که حضرت زینب (علیها السلام)، از دوران طفولیت که در دامان پدرش بوده و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) اعداد را به ایشان یاد می دادند و حضرت می فرمودند یک، می گفت یک، بعد حضرت فرمودند دو، می گفت یک، و هر چه حضرت می فرمودند دو، زینب (علیها السلام) می گفت «یک»؛ این یعنی همان اُحد و اُحد، یعنی همان یک را می خواهم و بقیه را نمی خواهم. این از خصوصیتی است که درباره حضرت زینب (علیها السلام) گفته اند. درباره بلال حبشی هم گفته اند که هر چه زیر شکنجه ها به او می گفتند که دست از خدای محمد (صلی الله علیه و آله) بردار، باز هم می گفت: «اُحد، اُحد»؛ بنابراین ما باید



همیشه در نقطه اوج پرواز کنیم.

حالا با این مقدمه و با آن حرف اول که عرض کردم و آخرین نقطه، لقاء خداست، چه کارهایی بکنیم برای اینکه زودتر به نقطه اوج برسیم. قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (سوره فصلت / آیه ۲۳) و آیه دیگر که همه شما می‌دانید «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (سوره زمر / آیات ۱۷-۱۸). قرآن همیشه ما را دعوت به احسن می‌کند. حتی دعوت به حسن نمی‌کند، یعنی ما سه راه در زندگی بیشتر نداریم. یک راه بد، یک راه خوب و یک راه بهتر. قرآن همیشه بحث خیر می‌کند و بحث احسن. اگر ما را به آخرت دعوت می‌کند می‌فرماید: «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (سوره اعلی / آیه ۱۷). این آیه و آن آیه که «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» احسن را بحث می‌کند. اگر کسی حسن را انتخاب کند از قافله عقب می‌ماند. این دنیا دار مسابقه است. شما اگر احسن را انتخاب نکنید، از قافله عقب می‌افتید، چه در جهات مادی و چه در جهات معنوی. احسن را باید انتخاب بکنیم. آیه دیگر «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ»؛ حالا اگر از نظر گفتار بخواهیم یک مبنایی را برای خود انتخاب کنیم، بهترین گفتار این است که «دعا الی الله». انسان باید ایده‌اش این باشد که علاوه بر اینکه خودش به سوی خدا می‌رود، دیگران را به سوی خدا دعوت بکند و خودش هم عمل صالح انجام بدهد. «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» و مسلمان باشد و در برابر اراده خدای متعال تسلیم باشد.

آیه دیگری هم هست که می‌فرماید: «فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (سوره توبه / آیه ۲۳). قرآن به صورت خطاب و عتاب می‌فرماید که چرا یک عده‌ای از مردم از هر فرقه‌ای و هر طایفه‌ای نمی‌آیند که در دین تفقه کنند و به قوم





خودشان برگردند و مردم را بیدار کنند؟ این آیه کریمه، دلیل بروجوب کفایی تفقه در دین است. امام خمینی (ره) می فرمودند، کسانی که قسمتی از عمر خود را در تفقه گذراندند، دیگر نمی شود گفت برایشان واجب کفایی است و بلکه برایشان واجب عینی است. زمان آیت الله بروجردی شاید سال های ۳۵ تا ۴۰، من در قم به درس امام می رفتم. امام فرمودند شنیده ام بعضی از طلاب دارند از قم می روند. یا می روند دنبال کار، یا می روند نمی دانم دنبال چه؟ فرمودند من به عنوان معلم شما و استاد شما می گویم حرام است کسانی که دوره ای از عمر خود را به تحصیل علوم دینی گذرانده اند و به یک مقاماتی رسیده اند، تحصیل را رها کنند و بروند دنبال زندگی و دیگر بر آن ها واجب عینی است که بمانند و ادامه بدهند. من می بینم زمانی را که ما نیاز به علمای بزرگی داریم که این ها باید مبلغان دین اسلام باشند و مسائل اسلامی را بگویند و پاسخگوی سؤالات مردم باشند و نیازهای مردم را برطرف کنند. حالا امام چگونه می دیدند، نمی دانم.

برادران! شما یک دوره ای از عمر را گذراندید. اگر می خواهید به آن مقصود نهایی برسید و زودتر برسید و آن مقصود را همیشه در نظر داشته باشید، باید این تفقه در دین، عمل صالح، دعوت الی الله را در هر جا که هستید، فراموش نکنید. بنده نمی گویم که همه شما مبلغ حرفه ای باشید. یعنی مثل ما منبری بشوید. مقصود ما از اول هم این نبود، ولی من می گویم شما در هر کرسی که نشستید باید فراموش نکنید که شاگردان امام جعفر صادق (علیه السلام) هستید. اگر استادی آمده، اگر کلاسی بوده، اگر امکانات دیگری بوده، اگر شهریه ای بوده، اگر خوابگاهی بوده، هیچ انگیزه ای به جز تفقه در دین و دعوت الی الله نبوده. فقط آمدیم و گفتیم ما شاگرد امام صادق (علیه السلام) هستیم. سال ها از این مکتب و از این سفره استفاده کردیم تا خدمت کوچکی کرده باشیم. این نکته را فراموش نکنید که تعلیم و تربیت آن منزلگاهی است که شما باید همیشه

همراهش باشید. در هر جایی که هستید، باید با عمل و قولتان یکی از مبلغان اسلام و مکتب جعفری و تشیع و معنویت و رسالت باشید. کتاب و مطالعه را فراموش نکنید. ارتباطتان را با مرکز تحصیلی تان قطع نکنید.

چهار اصل برای فلاح و رستگاری انسان

«یا ایها الذین آمنوا اصبروا وصابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون» (سوره آل عمران / آیه ۲۰۰).

خداوند در این آیه چهار اصل را برای فلاح و رستگاری ذکر می کند. اول صبر؛ اگر کسی صابر نباشد، منحرف می شود. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند: «دار بالبلاء محفوفه و بالغدر معروفه لاتدوم أحوالها...» «نهج البلاغه، خطبه ۲۲۶» یک زندگی است که بلا در آن فراوان است، امتحانات و ابتلا در آن زیاد است؛ البته این در و دیوار به کسی مکر نمی کنند. این انسان ها هستند که غدر دارند و گرنه دنیا به معنای در و دیوار که غدیری ندارد. «لاتدوم أحوالها»؛ یک روزی وضع آدم بهتر است، یک روز بدتر است، یک روز پُست به آدم می دهند، یک روز آدم را بر می دارند و می گویند باید شما بروید. در دنیا از این حرف ها فراوان است ولی مهم این است که صابر و ثابت قدم باشید، یعنی با هم صبر کنید و یکدیگر را به صبر دعوت کنید.

این امکان ندارد که شما «صابروا» باشید و با هم ارتباط نداشته باشید. شما اگر ارتباط نداشته باشید «صابروا» تحقق پیدا نمی کند. این است که بلافاصله می گوید «و رابطوا»؛ و رابطه با هم داشته باشید. در احادیث تفسیری در ذیل این آیه شریفه آمده است: «رابطوا مع الأئمه» با پیشوایان رابطة داشته باشید و رابطه برقرار کنید. کسانی که مرز را حفظ می کنند، مرابطین و بالاترین مجاهدین هستند ولی این مرابطه انحصار ویژه ای ندارد. شما در وزارتخانه هم که کار می کنید باید مرزدار باشید. شما هم باید مرزها را حفظ کنید و با امامانتان یا امامتان ارتباط داشته باشید.